



## قرآن، محیط زیست

هادی اسماعیل زاده<sup>1</sup> محبوبه نیکبخت<sup>2</sup>

1- (دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد واحد شیروان)

2- (کارشناس ارشد ژئومورفولوژی، دانشگاه فردوسی مشهد)

ایمیل نویسنده مسئول: h951311@gmail.com

### چکیده

محیط زیست یکی از مهمترین موضوعات جوامع بشری است، که امروزه به جهت رشد بی‌رویه جمعیت و کمبود منابع با مشکلات متعددی روبرو گشته است. هر چند که راه حلها و امکانات بی‌شماری را بشر برای حل این مشکل به ثبت و اجرا رسانده است اما هیچ یک از این راه حلها نتوانسته این مشکلات و معضلات زیست محیطی را به حداقل برساند در واقع تا زمانی که انسان تنها به عقل خود متکی باشد و وحی را کنار بگذارد قادر به رفع هیچ یک از معضلات از جمله محیط زیست نخواهد بود، و رفع کامل آن جز با توجه به تعالیم وحیانی و پایبندی به آموزه‌های قرآنی ممکن نیست. مقاله حاضر با روشی توصیفی - تحلیلی برخی از آیات مربوط به محیط زیست را بررسی کرده و بر اساس آیات به کارگرفته شده در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌ایم، که انسان در مقابل همه چیز مسئول است، و به موجب این احکام انسان موظف به عمران و آبادانی زمین و حفظ حقوق سایر موجودات است.

### واژگان کلیدی: محیط زیست، قرآن کریم، انسان

### مقدمه

به موازات افزایش فعالیت‌های انسانی و تأثیرات آنها، مخاطرات و پیامدهای ناشی از آنها نیز افزایش یافته است. همچنان که شدت و اهمیت تهدیدات علیه منابع زمین، سیستم‌های طبیعی و جمعیت جهان بیشتر و آشکارتر شده است، نیاز گسترده و همه - جانبه افراد در ازای مسئولیتی که در برابر محیط زیست دارند، نیز محسوس‌تر شده است (قائمی و همکاران، 1395). ناتوانی از حل این بحران، برخی اندیشمندان را واداشت تا راه‌حلهایی معنوی اخلاقی را برای این مشکل بیابند و به ادیان توحیدی به ویژه اسلام و آموزه‌های قرآن کریم چشم بدوزند (نورائی، 1391). - حفاظت از محیط زیست و طبیعت یکی از سفارشات مورد تأکید دین مبین اسلام است که در آیات و روایات متعددی بر آن تأکید شده است بطوریکه در هیچ مکتب دیگری چنین سفارشات وجود ندارد. از مهم ترین تأکیدات این است که بسیاری از سوره‌های قرآن کریم مانند نور، رعد و... به نام یکی از عناصر طبیعی است. بطور کلی در دین اسلام حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های آینده باید در آن اجتماعی رو به رشدی داشته باشند یک وظیفه دینی تلقی می‌شود و زمین و آنچه در آن است بعنوان امانت در دست ما قرار دارد که انسان‌های عصر حاضر نباید در این امانت خیانت کنند. برخی از پژوهش‌های



قرآنی که من باب قرآن کریم و محیط زیست صورت گرفته است می‌توان به مقالاتی تحت عنوان جهان‌بینی قرآنی و محیط‌زیست از نورائی، چگونگی حمایت از محیط زیست در فقه اسلامی از تقی‌زاده انصاری و بررسی مبانی و حیانی حفظ از محیط زیست از انتظاری و... اشاره کرد. ما نیز در این پژوهش برآنیم تا با توجه به برخی از آیات قرآن کریم درباره محیط زیست به سوالات ذیل پاسخ دهیم:

سوالات:

1. مفهوم محیط زیست از منظر اسلام چیست؟
2. اهمیت حفاظت از محیط زیست از منظر قرآن کریم چیست؟

### 1 «اسلام و حفاظت از محیط زیست»

احکام اسلام درباره محیط زیست فراوان و متنوع است. انسان به موجب این احکام موظف است از آلوده کردن آب و خاک پرهیز نماید. او نه فقط موظف است به پدر و مادر خود مهربانی کند، بلکه باید درخت بکارد و حیوانات را با رأفت و مهربانی تربیت کند (اسماعیلی و همکاران، 1386).

در دین اسلام حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعدی باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، یک وظیفه دینی تلقی می‌شود. خداوند، طبیعت را هدفمند و هدفدار خلق و تمام مخلوقات را به لحاظ کمیت و کیفیت به اندازه و متناسب آفریده است. مؤید این جمله را گفتار خداوند در قرآن کریم است که می‌فرماید: «ما هر چه آفریدیم به اندازه آفریدیم». جهان هستی از نظم دقیقی برخوردار و تمامی مخلوقات در تعادل و تناسب و به اندازه آفریده شده‌اند و هر یک از اجزا و عناصر خلق شده در بقای این کره‌ی خاکی و در نتیجه در ادامه‌ی زندگی انسان نقش دارد؛ بنابراین هر تغییر نابجا و زیان رساندن به هر یک از اجزای این سیستم عظیم، سبب به خطر افتادن حیات هستی می‌شود. دین مبین اسلام مملو از توصیه‌های حفاظت از آنچه که خدا خلق کرده است می‌باشد و این به مفهوم حفاظت از محل زیستن مخلوقات و یا همان حفاظت از محیط زیست است (اکبری‌راد، 1391).

### 2 «انسان و محیط زیست»

بسیاری از آیات قرآن کریم جهان را به زیبایی ستوده‌اند، که خداوند متعال در این باره در آیه 7 سوره مبارکه سجده می‌فرماید: "الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ" انسان نیز در کمال زیبایی آفریده شده است. و همچنین خداوند در آیه 3 سوره مبارکه تغابن می‌فرماید: "خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ" و باید از زیباییها پیروی کند همانگونه که خداوند متعال در آیه 18 سوره مبارکه زمر می‌فرماید: "الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ" یعنی: همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمندانند. و با توجه به آیه 30 سوره مبارکه بقره که خداوند متعال می‌فرماید: "وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ" یعنی: و (به یاد آر) وقتی که پروردگارت فرشتگان را فرمود که من در زمین خلیفه‌ای خواهم گماشت،



گفتند: آیا کسانی در زمین خواهی گماشت که در آن فساد کنند و خون‌ها بریزند و حال آنکه ما خود تو را تسبیح و تقدیس می‌کنیم؟! خداوند فرمود: من چیزی (از اسرار خلقت بشر) می‌دانم که شما نمی‌دانید. خداوند در این آیه اشاره کرده است که ای انسان تو جانشین من هستی و اعمالی را باید انجام دهی که بهترین باشد. و باید از بهترین اعمال و اقوال پیروی کنی که یکی از بهترین این اعمال حفاظت از محیط زیست است چنانکه خداوند متعال در آیه 61 سوره مبارکه هود می‌فرماید: "هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا" «اوست که شما را از زمین پدید آورد و از شما خواست تا در آن آبادی کنید». کلمه و استعمرکم نشان می‌دهد که هدف تمامی انسانها باید آبادی و عمران زمین باشد نه تخریب آن بوسیله نابودی محیط زیست. و همچنین خداوند متعال کسانی را که در زمین فساد میکنند دوست ندارد همانگونه که در آیه 205 سوره مبارکه بقره "وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْقَسَادَ" (نشانه آن، این است که) هنگامی که روی برمی‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند؛ (با اینکه می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد. این آیه شریفه نشان می‌دهد که اسلام در 1400 سال پیش اهمیت ویژه‌ای برای محیط زیست قائل بوده است. بدین جهت ضربه به محیط زیست را در ردیف افساد فی الارض شمرده است.

مباحث زیست محیطی قرآن کریم در دو دسته جای می‌گیرد: دسته نخست، مبانی نظری است که نگرش ویژه قرآن را به طبیعت بازگو مینماید؛ مانند مفاد آیاتی که بیانگر مسخر بودن طبیعت برای انسان است. دسته دوم، اصول و قواعدی عملی است که تعیین کننده بایدها و نبایدهای رفتار زیست محیطی درسه سطح فرد، جامعه و حکومت است؛ مانند آیاتی که انسانها را از نابودی و تباهی زمین بر حذر میدارد و به آنان فرمان می‌دهد تا به آبادانی آن همت گمارند(نورانی).

## 2-2. آیاتی از قرآن که آفرینش عناصر محیط زیست را برای انسان می‌دانند

خداوند متعال در برخی از آیات قرآن کریم با نام بردن عناصر محیط زیست، بر آفرینش آنها برای انسان تاکید میکند. در سوره مبارکه یاسین آیه 71 و 72 و 73 می‌فرماید: "أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ" یعنی: آیا نمی‌بینند که برای آنها به دست قدرت خود حیواناتی آفریده ایم که مالک آن هستند؟ 71" وَ دَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَ مِنْهَا يَأْكُلُونَ" یعنی: و آنها را برایشان رام کرده‌ایم که هم برآن سوار می‌شوند و هم از آن می‌خورند 72" وَ لَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَ مَشَارِبٌ أَ فَلَآ يَشْكُرُونَ" یعنی: و برایشان در آن حیوانات سودها و نوشیدنی‌هاست، پس چرا سپاس نمی‌گزارند 73. در سوره مبارکه نمل آیه 60 نیز خداوند می‌فرماید: " أَنْزَلْ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَبْيْنَا بِهٖ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ" یعنی: برای شما از آسمان آب فرستاد، پس با آن آب، بوستان‌هایی شادانگیز رویانیدیم. این دسته از آیات که در قرآن کریم به وفور مشاهده میشوند همه بیانگر آن هستند که عناصر محیط زیست برای بهره‌مندی تمام انسانها آفریده شده‌اند و انسان با قوه عقل و اختیار خویش حق دخل و تصرف معقولانه را از آن دارد و هیچ کسی نمی‌تواند این حق و حقوق را از او سلب نماید.



### 2-3. آیاتی از قرآن که محیط زیست و عناصر آن را مسخر انسان می‌داند

دسته‌ی دیگری از آیات قرآن کریم اشاره به تسخیر شدن عناصر محیط زیست برای انسان است. در این آیات، آفتاب و ماه، باد و باران، کوه‌ها و درّه‌ها، جنگل‌ها و سبزه‌زارها، حیوانات و سایر منابع زمینی و خلاصه همه موجودات را در خدمت انسان در آورده و همه را فرمانبردار انسان ساخته است تا او بتواند از همه آنها بهره برده و زندگی سعادت‌مندی را داشته باشد.

واژه «تسخیر» در فرهنگ قرآن دو معنا دارد: یکی مهیا ساختن و در خدمت منافع و مصالح انسان قرار دادن؛ مانند تسخیر خورشید و ماه، و دیگری تسلط انسان و زمام اختیارش در دست بشر بودن؛ مانند تسخیر کشتی‌ها و دریاها و زمین و اینگونه نیست، که در همه مواردی که بر اساس قرآن، چیزی به تسخیر آدمی درآمده، انسان قدرت داشته باشد تا بر جریان طبیعی حیات، اعمال نفوذ کرده و تأثیرگذار باشد و به عنوان نمونه، خورشید مسخر شده را چون یک کشتی مسخر شده به مسیر دلخواه خویش هدایت کند ( مکارم شیرازی، ج 10، ص 355-359). برای اینکه این موضوع روشن شود به چند آیه از قرآن کریم در باب مسخر کردن عناصر برای بهره‌وری انسان اشاره می‌کنیم: سوره مبارکه جاثیه آیات 13 و 12 "اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ فِيهِ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ" 12 یعنی: خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتی‌ها بفرمانش در آن حرکت کنند و بتوانید از فضل او بهره گیرید، و شاید شکر نعمت‌هایش را بجا آورید! "و سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ" 13 یعنی: او آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته؛ در این نشانه‌های (مهمی) است برای کسانی که اندیشه می‌کنند! و در سوره دیگر خداوند متعال چنین می‌فرماید: "وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ" یعنی: و خورشید و ماه را -که با برنامه منظمی درکارند- به تسخیر شما درآورد؛ و شب و روز را (نیز) مسخر شما ساخت؛ ابراهیم آیه 33. و موارد فراوان دیگری که بر همین معنا دلالت دارند(نحل 12، لقمان 20، ابراهیم 32، بقره 164).

### 3. تاثیر اعمال نیک و بد بر محیط زیست

خداوند متعال در سوره مبارکه روم آیه 41 می‌فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» یعنی: فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (بسوی حق) بازگردند! این آیه نشان می‌دهد میان نیّت‌ها و کارهای نیک و بد آدمیان در حوادث خیر و شرّ عالم رابطه‌ی وجود دارد، چون این اعمال با حوادث پیوندی ناگسستنی دارند. پشتوانه این مطلب برهان عقلی و نقلی است:

برهان عقلی: انسان با همه شئونش حلقه‌ای از زنجیره جهان هستی است، پس نمی‌تواند از سایر حلقه‌ها جدا باشد، چون معلول بسیاری از علل و علت بسیاری از معلول است به طوری که از موجودهای دریایی، صحرائی، زمینی و هوایی اثر می‌پذیرد و متقابلاً در آنها اثر می‌گذارد، بنابراین اعمال انسان بر رویدادهای گوارا و ناگوارای جهان، مؤثر و از آنها متأثر است. این تأثیر و تأثر متعامل در خصوص قلمرو بدن انسان نیست، بلکه در عقاید، اخلاق،



رفتار و گفتار نیز مشهود است. شاید برای جزئیات این مسئله نتوان برهان آورد؛ ولی رابطه مستقیم انسان و طبیعت برهان عقلی دارد، هر چند جزئیات آن با نقل ثابت می‌شود، پس اینکه فلان کار نیک موجب بارش باران مناسب یا نزول برکات الهی است یا فلان گناه سبب زلزله یا مرگ نابهنگام است، با شرایطی پذیرفته است.

برهان نقلی: قرآن کریم رابطه مستقیم اعمال انسان و طبیعت را در آیات گوناگونی بیان و برهان عقلی مزبور را تأیید کرده است. مقصود از تأیید همانا اثبات جریان اصل تعامل انسان و طبیعت است که مطلبی است کلی و قابل تعلیل عقلی؛ نه تبیین یک رخداد خاص جزئی. منظور از عمل در اینجا عنوان حسنه و سیئه است که وصف حرکات خارجی است؛ نه خود حرکات و سکانات که از آثار طبیعی اجسام و مشترک بین بد و خوب است. آیات قرآن در این باره به چند دسته تقسیم می‌شود.

الف: آیاتی که دال بر رابطه کارهای نیک و پیامدهای گوارای جهان است.

ب: آیاتی که ناظر به ارتباط کارهای بد و حوادث ناگوار جهان هستی است (جوادی آملی، 1386، ص 187).

دسته اول شامل چند آیه می‌شود از جمله:

آیه 96 سوره مبارکه اعراف: " وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ". یعنی: و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم. برکات آسمان و زمین را به چند گونه می‌توان معنا کرد.

- برکات آسمانی، بارش برف و باران و تابش آفتاب و برکات زمینی، آمادگی زمین و جوشش چشمه‌ها و قنات‌ها و رویدن گیاهان و میوه‌هاست.

- برکات آسمانی، علوم و معارف است و برکات زمینی، نعمت‌های مادی.

- برکات آسمانی، علوم کشفی و شهودی و برکات زمینی، علوم حصولی است؛ لیکن معنای آیه منحصر در این سه احتمال نیست و می‌تواند مصادیق دیگری هم داشته باشد (جوادی آملی، 1386، ص 193).

در جمله " لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ " استعاره به کنایه به کار رفته، برای این که برکات را به مجرای تشبیه کرده که نعمتهای الهی از آن مجرا بر آدمیان جریان می‌آید، باران و برف هر کدام در موقع مناسب و به مقدار نافع مبارد، هوا در موقعش گرم و در موقعش سرد شده، و در نتیجه غلات و میوهها فراوان میشود، البته این در موقعی است که مردم به خدای خود ایمان آورده و تقوا پیشه کنند و گر نه این مجرا بسته شده و جریانش قطع میگردد. جمله " وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا ... " دلالت دارد بر اینکه افتتاح ابواب برکتها مسبب از ایمان و تقوای جمعیتها است، نه ایمان یک نفر و دو نفر از آن‌ها، چون کفر و فسق جمعیت، با ایمان و تقوای چند نفر، باز کار خود را میکند (طباطبایی، 1374، ج 8، ص 254) هم چنین اطلاق کلمه (لَفَتَحْنَا) شامل کلیه خیرات و برکات آسمانی و زمینی می‌گردد (نجفی خمینی، 1398، ج 5، ص 277) این آیه یک سنت الهی است که افراد باایمان و آلوده و فاسد گرفتار انواع واکنش‌ها در همین زندگی دنیای خود خواهند شد، گاهی بلاهای آسمان و زمین بر سر آنها مبارد، و گاهی آتش جنگ‌های جهانی یا منطقهای سرمایه‌های آنها را در کام خود فرو





مکگیرد، و گاهی ناامنیهای جسمانی و روانی آنها را تحت فشار قرار میدهد، و به تعبیر قرآن، این وابسته به اعمالی است که خود انسان انجام میدهد، فیض خدا محدود و ممنوع نیست، همانطور که مجازات او اختصاص به قوم و ملت معینی ندارد! (مکارم شیرازی، 1374، ج 6، 267).

نظیر چنین مطلبی در آیه 66 سوره مبارکه مائده نیز بیان شده است: "وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ" یعنی: و اگر آنان، تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارشان بر آنها نازل شده برپا دارند، از آسمان و زمین، روزی خواهند خورد؛ جمعی از آنها، معتدل و میانه‌رو هستند، ولی بیشترشان اعمال بدی انجام می‌دهند. همان طور که ایمان و تقوا و آمرزش گناهان با ورود به بهشت رابطه دارد، ایمان و عمل به دستورهایی تورات و انجیل و قرآن، با برخورداری از نعمتهای آسمانی و زمینی مرتبط است. (مِنْ فَوْقِهِمْ)، نعمتهای آسمانی است، که به شکل بارش برف و باران یا تابش آفتاب ظاهر می‌شود و (وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ)، نعمتهای زمینی، حاصل خیر شدن زمین و جوشش آب‌های زیرزمینی (چشمه‌ها و قنات‌ها) است (جوادی آملی، 1386، 190).

ایمان و تقوا با انجام دادن واجبات و مستحبات و پرهیز از محرمات و مکروهات که در کتاب و سنت معصومین (علیهم السلام) بیان شده است تحقق می‌یابد. این یک اصل کلی است و اختصاص به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ندارد. برای روشن نمودن این مطلب می‌توان از خود مثل‌های قرآن بهره برد. در جایی که قرآن برای کسی که انفاق می‌کند مثال می‌آورد می‌فرماید: که یک دانه گندم او هفتصد دانه می‌شود. این اصل قرآنی را قدیمی‌ترها درک کرده‌اند؛ ولی در زمان کنونی به خاطر کم رنگ شدن تقوا یک دانه گندم هفت تا ده دانه می‌دهد بدین گونه برکت از کشاورزان و دیگر اقشار گرفته شده است. یا افرادی که با دادن خمس و زکات و انفاق‌های دائمی بدون منت برکت را به زندگی خود آورده‌اند؛ برعکس کسانی که با ربا و گران فروشی در زندگی‌شان برکتی ندارند. برای گشایش و فتح انواع روزی، مستحباتی در دین وارد شده که شخص با تقوا به خاطر ایمان و توکلش به خدا و انجام آن مستحبات از جمله: بیداری بین الطلوعین، اداء نمازهای اول وقت، صدقه، صلح رحم، صدقه دادن هنگام تهی دستی می‌تواند برکت را در زندگی خود مشاهده نماید.

هم چنین خداوند سبحان، در آیه 52 سوره مبارکه هود می‌فرماید: وَبِأَقْسَمِ الَّذِي نَسَمْتُمْ تَوْبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ. یعنی: و ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او بازگردید، تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما بفرستد؛ و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید! و گنهکارانه، روی (از حق) بر نتابید. استغفار را سبب فزونی روزی و رحمت خلق قرار داده، و فرموده از پروردگارتان طلب آمرزش کنید که او بسیار آمرزنده است، باران پر برکت آسمان را بر شما مفرستد. حقیقت این است که مجازات بسیاری از گناهان محرومیت‌هایی در این جهان است و هنگامی که انسان از آن توبه کند و راه پاکی و تقوی را پیش گیرد خداوند این مجازات را از او بر طرف مسازد.

در این آیات خداوند پیوند روشنی میان مسائل معنوی و مادی بر قرار مسازد و استغفار از گناه و بازگشت به سوی خدا را مایه آبادانی و خرمی و طراوت و سرسبزی و اضافه شدن نیرویی بر نیروها معرفی کرده است.



یکی دیگر از آیاتی است که خداوند در آن به این موضوع پرداخته آیه 16 سوره مبارکه جن است "وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا" یعنی: و اینکه اگر آنها [= جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرایشان می‌کنیم!

مراد از طریقه در این آیه طریقه اسلام است و استقامت بر طریقه به معنای ملازمت و ثبات بر اعمال و اخلاقی است که ایمان به خدا و آیات او اقتضای آن را دارد. ماء غدق به معنای آب بسیار است، و بعید نیست از سیاق استفاده شود که جمله "لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا" مثلی باشد که بخواهد توسعه در رزق را برساند، جمله "لَتَفْتِنَهُمْ فِيهِ" هم این احتمال را تأیید میکند، چون خدای تعالی غالباً با توسعه رزق بندگان را امتحان میکند. و اعراض از ذکر خدا لازمه استقامت نداشتن بر طریقه است، و اصل در سلوک عذاب هم همین است، و به همین جهت بجای اینکه ملزوم را بیاورد و بفرماید "و من لم يستقم على الطريقة يسلكه..."، لازمه آن را ذکر کرد، تا به این وسیله بفهماند سبب اصلی در دخول آتش همین اعراض از ذکر خداست (طباطبایی، 1374، ج20، 71، 72). طبق این آیه آنچه مایه و فور نعمت میشود، استقامت بر ایمان است نه اصل ایمان، زیرا ایمان موقت و زودگذر نمیتواند چنین برکاتی از خود نشان دهد، مهم استقامت بر ایمان و تقوی است که پای بسیاری در آن لنگ و لرزان است (مکارم شیرازی، 1374، ج25، 122).

## ب) دسته دیگر از آیات، رابطه کار بد آدمی را با جهان بررسی می‌کند از جمله آن‌ها :

آیه 41 سوره مبارکه روم ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ" یعنی: فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (بسوی حق) بازگردند!

که این آیه به ظاهر لفظش عام است، و مخصوص به يك زمان و یا به يك مكان و یا به يك واقعه نیست و در نتیجه مراد از "بر و بحر" همان معنای معروف است که شامل همه روی زمین میشود. مراد از فساد در زمین، مصایب و بلاهایی عمومی است که یکی از منطقیها را گرفته و مردم را نابود میکند، مانند زلزله، نیامدن باران، قحطی، مرض‌های مسری، جنگ‌ها، غارت‌ها، و سلب امنیت، و کوتاه سخن هر بلایی که نظام آراسته و صالح جاری در عالم را بر هم می‌زند، چه اینکه مستند به اختیار بعضی از مردم باشد، و یا نباشد، چون همه آنها فساد است که در دریا و خشکی عالم پدید می‌آید، و خوشی و طیب عیش انسان‌ها را از بین می‌برد (طباطبایی، 1374، ج16، 293).

این فساد ظاهر در زمین، بر اثر اعمال مردم است، یعنی به خاطر شرکی است که می‌ورزند، و گناهایی است که میکنند، بین اعمال مردم و حوادث عالم رابطه مستقیم هست، که هر يك متاثر از صلاح و فساد دیگری است.

این آیه شریفه آگاهی به اثر وضعی نحوست و نکبت ارتکاب معاصی و گناهان بندگان و ظهور آثار و نتایج و خیم آن را بیان می‌کند که در صحرا و دریا بلکه در ملک و ملکوت ایجاد می‌شود. گناهایی که نعمت را تغییر می‌دهد، سرکشی است. گناهایی که موجب پشیمانی است، قتل می‌باشد. گناهایی که نعمت را نازل می‌کند، ظلم است. گناهی که پرده‌ها را پاره می‌کند،



شرب خمر است. گناهی که روزی راحس کند، رباء است. گناهی که فنا را عجله کند، قطع رحم است. و گناهی که دعا را حبس کند و هوا را تارک گرداند، عقوق والدین است (حسینی شاه عبد العظیمی، 1363، ج10، 308).

هر کار خلافی در وضع جامعه، و از طریق آن در وضع افراد اثر میگذارد، و موجب نوعی فساد در سازمان اجتماعی میشود. گناه و کار خلاف و قانونشکنی همانند یک غذای ناسالم و مسموم است، که در سازمان بدن انسان تأثیر نامطلوب خواهد گذاشت و انسان گرفتار واکنش طبیعی آن میشود.

یکی دیگر از آیاتی که در این باره بحث می‌کند آیه 30 سوره مبارکه شوری است، "وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ" یعنی: هر مصیبتی به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده‌اید، و بسیاری را نیز عفو می‌کند.

این آیه به خوبی نشان می‌دهد، مصائبی که دامن‌گیر انسان می‌شود یک نوع مجازات الهی و هشدار است. هرچند ظاهر آیه عام است و همه‌ی مصائب را در بر میگیرد؛ مصائب عمومی و همگانی از قبیل قحطی، گرانی، و با، زلزله و امثال آن، ولی مطابق معمول در عمومات استثنائاتی وجود دارد، مانند مصائب و مشکلاتی که دامن‌گیر انبیا و ائمه معصومین میشد که برای ترفیع درجه آن‌ها بود.

کلمه مصیبت به معنای هر ناملایمی است که به انسان برسد، گویی از راه دور به قصد آدمی حرکت کرده تا به او رسیده است و مراد از جمله "فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ" گناهان و زشتیها است. و معنای جمله "وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ" این است که خداوند بسیاری از همان گناهان و زشتیهایتان را میبخشاید.

پس مصائب و ناملایماتی که متوجه جامعه شما میشود، همه به خاطر گناهانی است که مرتکب میشوید، و خدا از بسیاری از آن گناهان درمیگذرد و شما را به جرم آن نمیگیرد. اگر جوامع بشری عقائد و اعمال خود را بر طبق آنچه که فطرت اقتضاء دارد وفق دهند، خیرات به سویشان سرازیر و درهای برکات بروی شان باز میشود، و اگر در این دو مرحله به فساد بگرایند، زمین و آسمان هم تباه میشود، و زندگی‌شان را تباه میکند (طباطبایی، 1374، ج18، 86).

## نتیجه‌گیری

1. بطورکلی از زمانی که انسان پا به عرصهی زمین گذاشت پیوسته مسئولیت حفاظت و دخل و تصرف معقولانه از محیط زیست همواره عهده‌دار او بوده و انسان باید بکوشد تا از عهده این مهم برآید. و منظور از حفاظت از محیط زیست همانگونه که خداوند متعال در سوره مبارکه هود آیه 61 فرموده عمران و آبادانی زمین است. و این حفاظت از محیط زیست ابتدا فایده آن به خود انسان و سپس به جهان هستی باز میگردد.

2. قرآن کریم اشارات سودمندی درباره محیط زیست دارد که بر اساس آن میتوان به استخراج برنامه جامعی از حفاظت از محیط زیست همت گماشت.





3. برهم زدن تعادل طبیعت، با معارف قرآنی تعارض دارد؛ زیرا نظم طبیعت آینه قدرت خداوند و نمایانگر آفرینش یکتایی اوست.

4. اعمال و اقوال انسان رابطه مستقیمی با تخریب و حفاظت محیط زیست دارد، بطوریکه اگر عملکرد انسان نیک باشد تاثیر نیک بر محیط زیست دارد و اگر اعمال او شر باشد تاثیر بدی بر آن خواهد داشت. همانگونه که خداوند متعال در آیه 96 سوره مبارکه اعراف اشاره به تاثیر مثبت تقوی و ایمان بر بارش و فزونی برکات دارد و در سوره مبارکه روم آیه 41 اشاره به تاثیر عملکرد بد انسان به خشکی دریا و تخریب محیط زیست دارد.

## منابع

### کتاب:

#### قرآنکریم

حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (1363): «تفسیر اثنا عشری»، تهران: انتشارات میقات، اول.

جوادی آملی، عبدالله (1386): «اسلام و محیط زیست»، قم: انتشارات اسراء، اول.

طباطبایی، محمد حسین (1392): «تفسیر المیزان»، قم: دفتر انتشارات اسلامی، سی و سوم.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (1391): «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، سی و پنجم.

نجفی خمینی، محمد جواد (1356): «تفسیر آسان»، تهران، انتشارات اسلامی، اول.

### مقالات

اسماعیلی، عباس، رضائیان، محسن، وزیر نژاد، رضا، طباطبایی، سید ضیاء، سالم، زینب، مهدیان، فرشته (1386): «حفاظت محیط زیست در اسلام»، ویژه نامه اولین همایش بهداشت در آموزه‌های پیامبر اعظم (ص)، ششم، 7.

اکبری راد، طیبه (1391): «نقش تعالیم اسلام در کاهش بحران‌های زیست محیطی»، محیط شناسی، یکم، 10.

اکبری راد، طیبه (1378): «حفظ محیط زیست از دید قرآن و روایات»، الهیات نامه، دوم، 10.

قائمی، پونه، شبیری، سید محمد، لاریجانی، مریم، رکرک، بهروز (1395): «ارزیابی روش‌های آموزش

محیط زیست بر اساس مدل AHP»، فصل‌نامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، چهارم، 13.

قلندریان، ایمان، تقوایی، علی اکبر، کامیار، مریم (1395): «مطالعه تطبیقی رابطه‌ی انسان و محیط

زیست در تفکر توسعه پایدار و تفکر اسلامی»، فصل‌نامه پژوهش‌های معماری اسلامی، چهارم، 18.

نورائی، محسن (1391): «جهان بینی قرآن و محیط زیست»، آموزه‌های قرآنی، دانشگاه علوم

اسلامی رضوی، یازدهم، 20.